

«ارتش ما، تفلیس، پایتخت
گرجستان و تمامی این کشور، و
شاید که اکراین و پنینسولای کریمه
که از نظر تاریخی به روسیه تعلق
دارد را اشغال خواهد کند.»⁽ⁱ⁾

اکراین جبهه اروپایی رویارویی دو بلوک سرمایه داری جهانی

این بخش از نوشتار پژوهشی ارواسیا به سبب اشغال «کریمه» به وسیله ارتش روسیه و بحران در اکراین، به موضوع بحران در این منطقه می پردازد. افزون بر 6 سال پیش تا کنون به پدیده دوگین، گایدو جمال (حیدر) و پوتین و پروژه ارواسیا پرداخته ایم. سال پیش تا کنون، 9 نوشتار در باره ارواسیا و نقش دوگین و کارگزارانش مانند رجب صفراف ها، الهه کولایی ها، مهدی سنایی ها، محقق دامادها⁽ⁱⁱ⁾ ووو به یاد کمونیست نامی کارل لیکنشت و به نام وی نگاشته شد. تازگی هاست که رسانه های غربی در آستانه رودرویی بلوک غرب و ارواسیا، از مفهومی به نام ارواسیا نام می برند. از سوی دیگر، گویی بسیاری از نیروهای سیاسی ما به ویژه بسیاری از سوسیالیست ها که در نادیده گرفتن و نشنیدن مفاهیم و هنر واژگون سازی مفاهیم، پافشاری شگفتی دارند، ارواسیا را هنوز ندیده اند! آنان، ذهنیتی که در دنیای مجازی درگرددش است را سرخوش تا از آنچه به طور عینی در جهان مادی می گذرد بی خبری بمانند. ذهن کنش پذیر، همانند ذهن آکسیون گرا، البته که کوچکترین توجه ای به موضوع خلاقیت، تحلیل و نقد ندارد. چنین فرهنگی، ارواسیا را که با سرانجام جهان موجود سرو کار دارد، مسئله اش نیست؛ گویی اگر دنیا را آب ببرد، لابد اینان را خواب ربوده است. بسیاری از دوستان که در بهترین حالت در ژورنالیسم ارزان و ملال آور و تکراری همچنان سرگرم و سرگردانند، البته که برایشان به مفاهیم تازه پرداختن و آفرینش و نقد و کشف، دشوار است. کاش بدل می ساختیم، که به هر روی ساختن است، اما متأسفانه واژگونه سازیم.

این نوشتارها تا کنون از آنجا که غریب می آمد، از همان شماره نخست تا کنون شاید که در لایه زیرترین «مطالب رسیده» به اراده، همچنان مهجور مانده باشد.⁽ⁱⁱⁱ⁾
در پیشگفتارهای شماره های پیش آمده است:

این نوشتار پژوهشی برای نخستین بار به پروژه‌ی روند شکل‌گیری قطب اروپا - آسیا می‌پردازد. نوتزاریسم رؤیای «امپراتوری» دیرینه‌ای که پیوسته پس از فروپاشی آغاز

سوسیالیسم شورایی، جنگ سرد و فروپاشی بلوک «سوسیالیسم دولتی»، اکنون، قطبی در برابر دیگری قطب جهانی سرمایه جاری بوده است، محور تز ارواسیا می‌باشد. این قطب به ویژه با ظهور پوتین در نیمه دوم سال 2000، به بازسازی خود پرداخته است، در حالی که با دوران بوریس یلتسین، در کشورهای بلوک شرق، با شوک درمانی مکتب فریدمن، نولیبرالیسم اقتصادی حاکم گردید، نوتزاریسم، این بار با شعار ضد لیبرالیستی، و ضد سوسیالیستی پرچمی ایدئولوژیک برافراشته است. **زون** اقتصادی - سیاسی، گسترده در دو قاره اروپا و آسیا، در حال سامان‌دهی پرچم ایدئولوژیکی است تا زیر قدرت اتمی روسیه نوتزاری، قطب اقتصادی، سیاسی و نظامی ویرانگری را این بار در رقابت با قطب دیگر سرمایه‌داری جهانی ادامه دهد. **تز ارواسیا**، به رهبری عمده‌ترین تئورسین و ایدئولوگ آن، آلکساندر دوگین، عوام فریبانه برآن است تا خرده حکومت‌های منطقه‌ای سرمایه جهانی دو قاره را زیر شعار «علیه» کاپیتالیسم، لیبرالیسم و سوسیالیسم، متحد گرداند و اشتراکات مذاهب و باورهای دینی یهودیت، مسیحیت، اسلام، بودائیسیم و ... را زیر نام **تئوری سیاسی چهارم** [۱۷]، گرد آورد و با نقب زدن به دخمه‌های «بینادگرایی» ضد زندگی، و با بمب‌های اسلام ناب در کنار ولایت فقیه و سپاه، کره شمالی دیگری در حوزه روس مسلح سازد و پروژه مافیایی- سیاسی خویش را در این بازار اقتصاد آزاد جهانی به پیش برد. در بخش‌های پیشین این نوشتار، کارگزاران سیاسی، نظامی و دست‌آموزان و عوامل ارواسیا و دوگین را از جمله مهدی سنایی، سید حسن عباسی، ازغدی، شمقدری، محقق داماد، سید حسین نصر، ... که همگی تمامی آموزش‌های استاد مافیای کرملین، با زبان ایرانی- اسلامی، واگویه می‌کنند. ... ارواسیا از همه‌ی باندها و فرقه‌ها عضو می‌گیرد.

سال (۱۳۸۳) ۲۰۰۴ میلادی، پروژه ارواسیا در ایران با ورود الکساندر دوگین به ایران و با دیدار و آموزش سران سپاه و امنیتی‌ها آغاز می‌شود. از آن سال تاکنون بیش از ۵۴ کنگره و افزون بر صد گردهمایی و سمینار در ایران و روسیه و کشورهای جدا شده، به ابتکار الیگارشی‌های حاکم در روس و همراهی الیگارشی‌های حاکم در ایران از نوتزاریسم و سیاست‌های اقتصادی و سیاسی آنها، برگزار شده است. دوگین کارگزارانی همانند مهدی سنایی که از سال 2004 لابی روس در ایران شد و اکنون به مقام سفیرخامنه‌ای در کرملین برگزیده شد و نیز رجب صفراف‌ها را دارد و خود در غرب و به ویژه در جمهوری‌های پراکنده و پریشان شده شوروی سابق برای نوتزاریسم روسیه، به بسیج نیروی ارواسیا می‌پردازد.



حیدر جمال

سال ۱۹۸۸ دوگین و دوستش گایدر جمال (Geydar Dzhemal)، که در نشست های اسلامی خود را حیدر جمال معرفی می کند، به گروه ناسیونالیست پامیات (Pamyat) و سپس به همراه وی در دوران گورباچف «حزب ملی بلشویک» را به راه انداخت. حیدر جمال، اوغل حیدر، حیدرجاهید ووو متولد ۱۹۴۷ از آذربایجان است. وی دبیر و بنیانگذار کمیته اسلامی روسیه، وظیفه دارد تا با بسیج مسلمانان در شوروی سابق، ارواسیا را با ایدئولوژی ارتشی اسلامی نیز مسلح سازد. دوگین در سال ۲۰۰۱ «حزب ارواسیا» یا «جنبش ارواسیا» را پایه گذاری کرد تا به بیان خود: «ارتودکس ها، مسلمان، مسیحی، یهودی، بودایی ووو» را بسیج کند. مانگونه که نمودپوشان صفوی از ایل آق قویونلو(گوسفند سفیدان)، در برابر پرچم سنی عثمانیان، پرچم سبز شیعه را الم کردند، حلقه ولادیمیر پوتین -یوچنی پریماکوف (Yevgeny Primakov)، الکساندر دوگین ووو نیز برای نوتزاریسم روسیه به این گونه با ایدئولوژی ارواسیا، الیگارش سرمایه داری نولیبرال روسیه را پرچم کردند. الکساندر دوگین، کمونیسم، فاشیسم و لیبرالیسم، را سه نظریه ای می شمارد که مردود شده اند. وی «نظریه سیاسی چهارم» خود را جایگزین این سه دیدگاه می داند. «نظریه سیاسی چهارم» دوگین، مدعی است که موضوع اجتماعی آن، نه فرد، نه طبقه، نه دولت و نه نژاد است، بل که، «آنتروپولوژی»^(v) و «آکسیون»^(vi) است. یا به بیان دیگر، تبار شناسی انسان و «ذره ابتدایی» فرضی! فرضیه ذره اولیه و انسان شناسی دوگین، یک چشم بندی شعبده بازی است تا با انحراف ذهن تماشاچیان، از کلاه خود خرگوش بیرون آورد.

بنیانگذار این نظریه، کارل اشمیت آلمانی است و دوگین پشتوانه اصول اخلاقی خود را از وی به گواهی می آورد که «اعتبار یک اصل اخلاقی یا قانونی، به گوهر و ذات آن بستگی ندارد، اعتبار و مشروعیت اصل اخلاقی و قانونی به مقام و اتوریته ای بستگی دارد که آن را صادر یا تصدیق می کند.»^(vii)

با این برداشت از آموزگاران فاشیسم خود، دوگین مشروعیت می خواهد. وی در پی این نظریه و باور است که در دخمه ها و گورستان ها در جستجوی روح ایوان مخوف، هیتلر، موسولینی، خیمنی و آیت الله های عظمای قم و نجف است. پوتین، با آموزش های تکمیلی

در مکتب دوگین، همانگونه که تزار نیکلای دوم در مکتب راسپوتین، روح سرگردان و تجسم اتوریته‌هایی است که اصول خویش را در سوریه، کریمه، گرجستان و خلق‌های به پا خاسته صادر می‌کنند. هرچند روح‌های مورد رجوع دوگین، همانند روح الله در این قماش، هیچ نشانه‌ای از سرشت انسانی نه تنها نداشته، بل که تهی از خوی آدمی و انباشته از ضد انسان و انسانیت باشند.

تئوری دوگین، تکامل تدریجی و نیز موتاسیون را مردود می‌شمارد و به حرکت دَوَرانی و بازگشت به همان قدیم معتقد است. ذره اولیه فرضی مقدس دوگین، همچنان ذره مانده است. وی به آشکارا، تکامل را دروغ و غیر علمی می‌شمارد. بر این زمینه ی ضد علمی است که ارتجاعی ترین دیدگاه‌های مذهبی را به یاری می‌گیرد تا تزاریسم را زیر شمع‌ها و ناقوس بر زمین کوبانیده شده ی کلیسای ارتدکس در انقلاب کارگران روسیه، باردیگر امپراتور شود. دوگین با این تئوری بر آن است که در جایگاه راسپوتین شارلاتان که در کنار نیکلای به کرم‌لین محرم خصوصی تزارینا و تزار بود و او بود که حکومت می‌راند، راسپوتین شود و در کنار پوتین یا هر فرمانروای دیگری ظاهر شود.

«ما باید بر این شعار تکیه کنیم: زندگی مهم تر از پیشرفت است. باید به کونسرواتیسم تکیه کنیم و از تکامل بپرهیزیم.»^(viii) این دید ارتجاعی از هرگونه تکاملی بیزار است. بنیاد گرایی دینی در ایران خمینی و احمدی نژاد، در پاکستان طالبان، در افغانستان القاعده و در روسیه کلیسا و الیگارش‌ها، بار دیگر دست در دست هم، به قدرت سیاسی تکیه می‌زنند. دوگین در اینجا روا می‌گوید:

«روسیه اگر به تکامل و توسعه تکیه کند، شکست می‌خورد.»^(ix)

اسلامیان و کلیسای ارتدکس و خاخام‌های عهدعتیق، از همین زاویه با هر پیشرفت، تکامل و نواندیشی، تبه کارانه در ستیزند. اصول گرایی و بنیاد گرایی، درست معنای دشمنی با آینده، تکامل و هر پدیده ی نو و دستاورد انسانی است.

اما در پشت این بینش و ایدئولوژی، منافع طبقاتی بخشی از سرمایه داری نهفته است. الیگارش‌های روس، با این ایدئولوژی، مافیا گونه، به شیوه فاشیسم روسی، برای توسعه، اما نه توسعه و پیشرفت، بل که برای گسترش امپراتوری خویش ارواسیائیسم را ایدئولوژی ساخته است. بحران اکراین و اشغال کریمه که سوی دیگرش سرمایه داری جهانی رقیب، یعنی غرب و آمریکا ایستاده است را باید از این منظر نگریست.

اکراین محور رویارویی سرمایه داری جهانی

در دو سوی این رویارویی، آمریکا و اتحادیه اروپا از سویی و در سوی دیگر ارواسیا به رهبری روسیه ایستاده است. اکراین از جمله مناطقی بود که از همان برهه ی جدا شدن از بلوک روسیه و «انقلاب نارنجی»، و روی کرد به اتحادیه اروپا و غرب مرکز حضور دوگین شد.

دوگین می گوید «در اصل، ارواسیا و سرزمین ما، روسیه یعنی آن قلب، به سان منطقه‌ای نوین ضد بورژوازی، ضد آمریکایی باقی خواهد ماند...» امپراتوری نوین ارواسیان بر «اصول بنیادین دشمن مشترک بنا خواهد شد: مردودیت آتلانتیسیم (آمریکا)، استراتژی کنترل ایالات متحده آمریکا، و مردودشماری مجازی بودن ارزش‌های لیبرالی که بر ما چیره شوند.»^(x)

دوگین در سفر بهمن ماه سال 1391، یعنی یکسال پیش خود به همراه حیدر جمال، رجب صفر اوف ووو به ایران، در کنفرانس «ارواسیاگرایی، ایران و سیاست خارجی روسیه» در گفتگوی با بخش ایرانی ارواسیا (ایراس) به آشکارا اعلام کرد:

«ایران شریک روسیه در جهان چندقطبی است. منافع استراتیک ما در آسیای مرکزی و به طور کلی حوزه منطقه‌ای به طور کامل همپوشانی دارند. به این ترتیب جایگاه ایران در مدل ارواسیاگرایی چند قطبی مرکزی است و در این مدل، تهران نزدیکترین شریک مسکو است. البته شراکت با ترکیه، چین و هند نیز پیش‌بینی شده است...»^(xi)

دوگین در بخشی از سخنان خویش از مداخله اورا- آتلانتیک (اروپا- آمریکا) در انتخابات ریاست جمهوری در اکرین سال ۲۰۰۴ انتقاد کرد. و آن را اقدامی به عنوان سپر دفاعی^(xii) در اطراف روسیه، مشابه کوششی که بریتانا پس از جنگ جهانی نخست انجام داد، نامید. وی پوتین را حتا به سبب از دست دادن اکرین در اسل 2004 سرزنش کرد. دوگین اتحاد جوانان ارواسیایی^(xiii) علیه نارنجی پوشان را در اکرین برپا کرد. دوگین فاشیسم را در اکرین دامن زد، به بسیج نیرو و درگیری و نا امنی و جنجال پرداخت. وی به اتهام واندالیسم و تخریب و فعالیت های افراطی متهم شد و ورودش به اکرین ممنوع شد.

بحران اکرین و اشغال نظامی کریمه یک شبهه با برکناری ویکتو یانوکویچ رئیس جمهوری برکنار شده اکرین آفریده نشد. دوگین در سال 91 در میزگردی با شرکت حیدر جمال به آشکارا اعلام کرد:

«ارواسیا جایگزین امپریالیسم امریکاست نه بدل اروپا»

...امریکا، آتلانتیک و هژمونی ارزش‌های غربی مفاهیمی چون حقوق بشر، دموکراسی، آزادی بازار، پیشرفت فناوری و... را در برمی‌گیرد. اینها همه چالش‌های بزرگی برای تمدن‌هایی چون روسیه، چین، هند و ایران است و چون این یک چالش بزرگ است و در سایه کلی این چالش است که یک چیز کوچکی به نام اسرائیل و لابی کوچکی به نام لابی اسرائیل وجود دارد که اصلاً می‌توانم بگویم مثل شبخ است.

در ایران و در جهان اسلام کاملاً امکان دارد که به عامل صهیونیسم از دیدگاه دیگری نگاه کنند و این نگاه به آنها امکان بسیج نیروها را بدهد...»^(xiv)



حیدر جمال رئیس کمیته اسلامی روسیه، الکساندر دوگین، نادرزاد کاورکا، روزنامه‌نگار

پیش از حمله نیروها روس به فرمان پوتین به گرجستان در سال ۲۰۰۸، دوگین از «اوساشیای» جنوبی که به وسیله ارتش روس اشغال شده بود دیدن کرد و هشدار داد که: «ارتش ما، تفلیس، پایتخت گرجستان و تمامی این کشور، و شاید که اکراین و پنینسولای کریمه که از نظر تاریخی به روسیه تعلق دارد را اشغال خواهد کند.»

دوگین برای پیشبرد اهداف اروپا از هر نیرویی، از فاشیست‌های دینی گرفته تا فاشیسم غیر دینی عضو می‌گیرد. از همین روی، از القاعده و حزب الله و بوك الحرام‌ها به نیکی و از هم پیمانان خویش نام می‌برد «جهادی‌ها همانند سکولارهای اروپایی که در پی گلوبالیزاسیون هستند، یونیورسالیست یعنی نیروهایی یک دنیا می‌باشند. اما آنها همانند نیستند، زیرا اروپایی هدفی جز سلطه و چیرگی بر دیگران و تحمیل هژمونی خویش ندارند در سراسر جهان ندارند. آنها همه روزه به وسیله رسانه‌های جهانی خویش ما را مورد هدف قرار می‌دهند، از جمله جوانان را مورد هدف دارند. سلفی‌ها نیز به گونه‌ای یونیورسالیست هستند، ناپیستی‌آنگونه پنداشته شوند که اروپاییان در جستجوی گلوبالیزاسیون آنان نیز علیه دشمنان ما مبارزه می‌کنند. ما هر یونیورسالیستی را قبول نداریم، اما یونیورسالیست‌هایی هستند که امروزه به ما حمله می‌کنند و پیروز هم می‌شوند، اما یونیورسالیست‌های هم هستند که با آنها همانند هستند که علیه هژمونی غرب، یونیورسالیست‌های لیبرال مبارزه می‌کنند و در حال حاضر دوستان ما هستند.»^(xv) دوگین در اینجا کسانی همانند خمینی و جانشینان وی و نیز ملا عمر و بن لادن و القاعده که برای حکومت جهانی اسلام، جهان را

عرصه انتحار و ترور قرار داده اند، «یونیورسالیست های» دوست خود معرفی می کند. «پیش از پروژه حکومت جهانی اسلامی اشان به تحقق پیوندد، ما جنگ ها و تضادهای بسیاری را داریم. سلطه ی لیبرالیسم جهانی یک واقعیت است. از این روی، هرکسی را دوشادوش خویش دعوت می کنیم تا با این هژمونی، و این وضعیت (this **status quo**) بجنگد. ترجیح می دهم که به آنچه که اکنون واقعیت دارد بگویم، نه به آنچه که در آینده رخ خواهد داد. او به اینکه اسلام با سلطه بر جهان و طالبان و القاعده و خمینی و حزب الله گس از گپروزی و سلطه چه خواهند کرد، کاری ندارد. برای وی اکنون مهم است، مبارزه با رقیب روسیه و بلوک ارواسیا . دشمنان نوتزاریسم، دوستان نوتزاریسم هستند. [«همه آنانی که در برابر سرکردگی لیبرال می ایستند، در حال حاضر، دوستان ما هستند. این یک موضوع اخلاقی نیست، یک استراتژی است. سیاست کارل اشمیت^(xvi) از تمایز بین دوستان و دشمنان آغاز می کند. هیچ دوست ازلی و یا دشمن ازلی وجود ندارد. ما علیه هژمونی جهانی موجود مبارزه می کنیم. هرکس بنا به یک سری از اصول ویژه خود علیه آن مبارزه می کند.»]^(xvii)

این موضع نیازی به تفسیر ندارد. ارواسیا، با هرنیرویی به آخرالزمان و به حکومت جهانی می اندیشد. بمب های اتمی روس اگر با این اندیشه فاشیسمی همراهی کند، ویرانی نه تنها جهان، بل که نابودی کره زمین، در پی خواهد داشت. همانگونه که حکومت اسلامی و متلفه و انجمن حجتیه و احمدی نژاد و رحیم مشایی ها، به امام زمان و همزمان به دجال و چاه جمکران چشم دوخته اند، و ارتدکس ها عتیق روس به رستاخیز عیسی و خاخام های سربه دیوار ندبه کوب به پایان جهان نشسته اند، همه، سربازان ارواسیا به شمار می آیند. دوگین درس شعبده را در حوزه قم و نزد استادید شعبده می آموزد. در دیدار سالانه با آیت الله ها قمی، محقق داماد ووو. و یونیورسالیست های اسلامی در ایران، شیوه سرکوب و کنترل و حکمرانی را از مافیای روس فرا می گیرند.



سید مصطفی محقق داماد و الکساندر دوگین

دوگین روز 21 اسفند 1391 «در جلسه شورای گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم» نامی پوششی برای حلقه مرموز محقق داماد- اعوانی ها این شاگردان سید احمد فرید پس از دیدارهای آموزش و مکتبی با سران سپاه و اطلاعات، با حلقه داماد به مبادله تجربه برای بسیج پرداخت. سایت ارواسیای ایران به رهبری مهدی سنایی، داماد شیخ یونسی وزیر اطلاعات خاتمی، و سفیر کنونی رژیم در روسیه، شرکت کنندگان در این دیدار را اینگونه معرفی کرد:

«دکتر الکساندر دوگین استاد فلسفه و علوم سیاسی دانشگاه دولتی مسکو (لامانوساف) و رهبر جنبش ارواسیایی در روسیه با آقایان دکتر سید مصطفی محقق داماد، دکتر غلامرضا اعوانی و دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی رئیس و اعضای گروه علوم اسلامی فرهنگستان و خانم دکتر شهین اعوانی عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران...» (xviii)

با این ایدئولوژی است که بلوک ارواسیا برای برپایی نوتزاریسم و بلوک ارواسیا، قد می افرازد. ایران و سوریه در جبهه آسیا و اوکراین در جبهه اروپای مرکزی، همانند گرجستان و چین باید اشغال شوندش. صغراف بارها به عنوان سخنگوی فارسی زبان ارواسیا در رسانه های به ویژه صدای آمریکا به زبان فارسی، با چهره نفرتناک یک فاشیست اعلام کرده است که روسیه برای مرگ و زندگی خویش ایران را خط مرزی و اکراین را مرز حیات خویش می شمارد و برای دفاع از این میدان ها از هر وسیله و سلاحی استفاده می کند. دوگین در کنفرانس در همایش «جمهوری ارواسیا» اسلامی ایران و همکاری های منطقه ای در ایران» که به وسیله وزیر امور خارجه احمدی نژاد، گشایش یافت شرکت کرده بود زیر عنوان «ارواسیاگرایی، ایران و سیاست خارجی روسیه» در گفتگو با ایراس ایران اعلام کرده بود که:

«ایران يك کشور ارواسیایي است و سرنوشت ایران وابسته به ائتلاف با روسیه و شاید هم با چین است. برای آنکه این جهت‌گیری عملی شود، تهران باید در حد زیادی مواضع خود را با روسیه و با چین هماهنگ کرده و ارواسیا را انتخاب کند.

مفهوم ارواسیاگرایی در سیاست خارجی روسیه چگونه است؟

ارواسیاگرایی يك فلسفه سیاسی است که دارای سه سطح خارجی، میانی و داخلی می‌باشد. در سطح خارجی- جهان چند قطبی است. بدان معنی که چندین مرکز جهانی تصمیم‌گیری وجود دارد، که یکی از آنها ارواسیاست. منظور از ارواسیا تنها روسیه نیست بلکه روسیه به همراه کشورهای شوروی سابق می‌باشد. در سطح میانی همگرایی کشورهای شوروی سابق در ایجاد مدل فراملی (دولت‌های مختلف) است. در سطح سیاست داخلی - به معنای ساختار سیاسی جامعه که به عنوان ارزش در ارتباط با حقوق شهروندی مدل لیبرال و ملی‌گرایی بررسی می‌شود. این سه سطح فلسفه ارواسیاگرایی است که بر مبنای آنها تنها يك شکل سیاست خارجی شکل می‌گیرد که متفاوت با جهانی شدن، جهان تک‌قطبی، ملی‌گرایی، امپریالیسم و لیبرالیسم است. پس ارواسیاگرایی به طور کلی مدل منحصربه‌فردی از سیاست خارجی است.^(xix)

سیاست خارجی، ارواسیا استراتژی الیگارشی‌های روس است.

با فروپاشی سوسیالیسم دولتی، نولیبرالیسم هجوم به روسیه هجوم آورد. سرمایه‌داری دولتی به دست بخش خصوصی و الیگارشی‌ها مصادره شده. شوک درمانی در روسیه با دلقکی که به جای گورباچف نشست، با یلتسین آغاز و فروپاشیده‌گی روس و اقمار، زمینه آن بود. بازسازی سرمایه‌داری نولیبرالستی به شیوه روسی، با روی کار آیی پوتین در دستور قرار گرفت. بحران سرمایه جهانی که در سال 2008 اوج ویرانگرانه‌ای گرفت، به همراه خود دو مولفه جنگ و برآمد فاشیسم را آفرید. خیزش‌های همه‌گانی و ضد استبدادی به ویژه در مصر و لیبی و تونس، خیزش لایه‌های تهی دست و میانه‌ای بود که برای از دست دادن مالکیتی جز نیروی کار، خریداری هم نداشت.

سرمایه‌داران روس که اینک به حکومت نشسته‌اند، در پناه پوتین، و شرکا، سودمافوق صادرات نفت و گاز و سلاح، این تنها تولیدات برای صادرات را با روی کرد به تشنج، توسعه طلبی، و میلیتاریزم به ویژه در اروپا و آسیا و آفریقا، شدنی می‌دانند.

در بحران اکرین، اینک این صادرات، با خطر تحریم روبروست.

صادرات 80 در صد نفت روسیه به اروپا و 70 در صد گاز و 50 درصد صادرات ذغال سنگ به اروپا به سختی می تواند در برابر اروپا به تحریم تن در دهد. دستکم 35 درصد از نفت و گاز آلمان از روسیه برآورده می شود، و کم و بیش فرانسه و انگلستان و ایتالیا و نیز وابستگی و شراکت سرمایه داران سویدی، حتی وزیر امور خارجه این کشور، کارل بیلدت در شرکت گازپروم، آنچنان سرمایه داران جهانی را در بازار به هم بافته است که نه گزینش رویارویی نظامی و نه حتی تحریم اقتصادی و سیاسی، می تواند در دستور روز قرار گیرد. این روی کردها، همانند تیغی دولبه گردن دوسوی رقیب را تهدید می کند.

ناسیونالیسم روس، پرچمی است سرکوبگرانه و اسارت آور، برای گشایش بازار و غارت، زیر تیغ بحران مالی. بورژوازی روس، به میلیتاریسم روی آورده و نوتزاریسم به سلاح ناسیونالیسم چنگ افکنده است تا قدرت سیاسی- اقتصادی الیگارش های نوتزاری، حفظ شود.

در شرایط کنونی آغاز جنگ جهانی دیگری به روال دو جنگ اول و دوم به چشم نمی آید. جنگ امروزه در همه جا بین رقبای سرمایه دار، برای اشغال بازار و گسترش مناطقی برای ره یافت های سرمایه، انباشت و سود مافوق در جریان است. جنگ علیه طبقه کارگر در جلوه های و شکل های مختلف جاری است. جنگ برای سرکوب و کنترل و مهار جنبش کارگران و خیزش های ضد استبدادی توده های به چا خاسته به شدت تمام در بیشتر مناطق در جریان است.

اما جنگ جهانی و غیرقابل کنترل و نابود گر کشورهای متروپل، بین قدرت های بزرگ جهانی را سرمایه داران چندجانبه نمی خواهند. در صورت اشغال کریمه، شاید که غرب با بستن حسابهای بانکی و محدود کردن مسافرت مقامات روس به اروپا و آمریکا، الیگارش های روس و دست آخر اخراج از نشست 8 کشور (G8) و سازمان جهانی تجارت (WTO) و (OECD) را به تنگنا بیافکنند. بندر اقتصادی سیاسی سواستوپول برای تزارها روس، امپراتوری عثمانی و قدرت های اروپایی همیشه ارزشمند و محور جنگ های خونینی بوده است. این بندر و کریمه، هنوز نیز به سان شاهرگ اقتصادی، نظامی و سیاسی و ورود به به دریای سیاه و راه دریایی به جهان، برای الیگارش های روسیه اهمیت حیاتی دارد. بدون شک کریمه می بایست نخستین سنگری باشد که به اشغال ارتش روسیه در آید. نمایش رای گیری و همه پرسی، صورتکی است که زیر آن ارتش روس صف بسته است. نیروگاه های اتمی اکراین و کریمه و پایگاه های نیروی دریایی و ناو های جنگی در این سرزمین، پیشاپیش در دست سرمایه داران روس و زیر فرمان ارتش نوتزاریسم در آمده اند. هزینه چنین رویکردی به سختی می تواند با دخالت نظامی غرب همراه و یا بایکوت کاملاً اقتصادی روسیه باشد.

از همان روزهای بالا گرفتن بحران در اکران، ارزش سهام در روسیه به شدت سقوط بیشتری در پیش روی است و ارزش روبل به شدت کاهش بیشتری می یابد. سرمایه داران روس، در این میان هزینه ای زیاد خواهند پرداخت، هرچند در این رویارویی دو بلوک نیز به ویژه اروپا و در ردیف نخست آلمان، نیز هزینه خواهد پرداخت. فیلیپ میسفلدر، عضو دولت آلمان و از یاران بانوی آهنین آلمان، آنگلا مرکر صدر اعظم، اعلام کرد: تحریم و تحریم «گاز پروم» اقتصاد آلمان را نیز تخریب خواهد کرد^(xx) در این میان چین سود خواهد برد و آمریکا به موج سواری خواهد نشست.

جنگ شیوه ی دیگر سیاست و ادامه سیاست سرمایه است. جنگ جهانی نخست و دوم، سرمایه که به بازار جدید نیاز داشت، از همین روی هر دو ادامه سیاست اقتصادی، سیاست جنگ را برگزیدند. از این روی، بازارها باید گسترش می یافتند و دست به دست می شدند. آلمان و روسیه همیشه دو سوی این جنگ بوده اند. روسیه تزاری، در هر دو مورد، سرزمین های پهناوری داشت و هزینه های زیادی طلب می کرد و انقلاب و بحران های سیاسی و اقتصادی در جوشش بود. همانگونه که امروز در جبهه اکران و کریمه. در جنگ نخست نیز کریمه، محور جنگ جهانسوز بود. آغاز گر جنگ تزار نیکلای دوم، به بهانه ترور پرنس اتریش فرانستس فردیناند (ولیعهد اتریش) و همسرش (در 28 ژوئن 1914 به دست يك جوان یوگسلاو بود).

پوتین همانند تزارهای سلسله رومانف، با منتالیتی یک ارتودکس امنیتی و شکارچی تشنه خون، به هرروی نقشه اروپا را ترسیم دیگری در سر می پروراند. او به دوران 1945 پس از جنگ دوم در ردای یک تزار پدیدار شده است. ارواسیا به کریمه بسنده نمی کند. مرزها باید تا آنجا که می توان به هر وسیله به بیرون کشانیده شود. مرزی که در آسیا، ایران و سوریه را در بر می گیرد و امروز اکران را در اروپا و استونی و لیتوانی و و را نیز طلب خواهد کرد، همانگونه که گرجستان را با نیروی نظامی منکوب کرد.

اقتصاد بحران زده و در هم شکسته اکران، کشوری که جز تولید شکر و کشاورزی درهم شکسته و توریسم تولیدی ندارد، باید با تزریق کمکهای فوری صندوق جهانی پول و اتحادیه اروپا، از ورشکستگی و تباهی بیشتر، جانی تازه یابد.

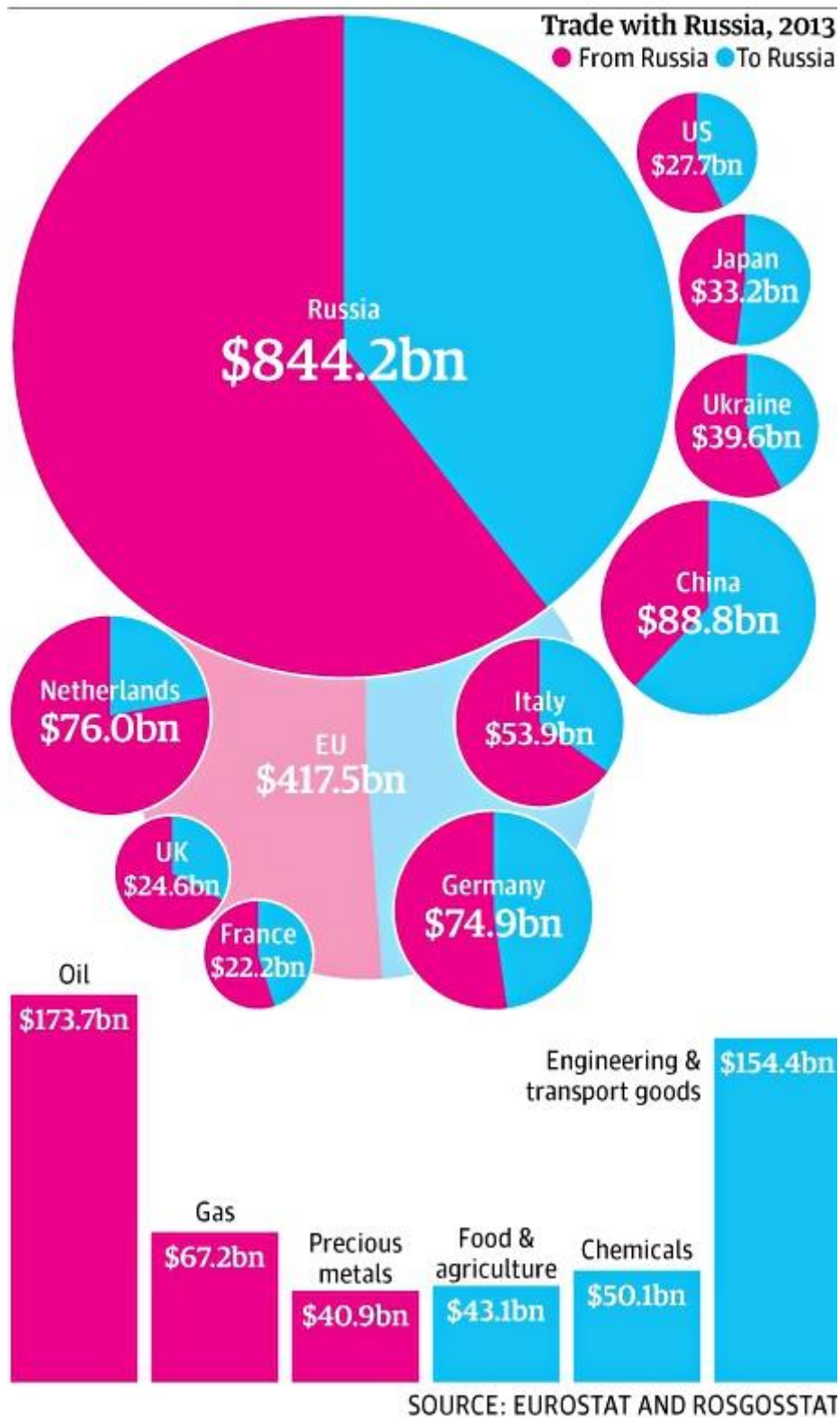
تهدیدهای آمریکا و اتحادیه اروپا آیا به گفته سفیر روسیه در بلژیک ولادیمیر چیژوف (Vladimir Chizhov) «همه پارس است و نمی گیرند! [زیرا که] تجارت روسیه - اتحادیه اروپا روزانه یک میلیارد ایورو (نزدیک به 820 میلیون پوند) است. قرار دادهای تجاری و اقتصادی همیشه یک خیابان دو طرفه است.»

از این روی رجزها هم چندان رجزخوانی جنگی نیست، بیشتر به دعوای این سوی و آن سوی جوی ایستادن و دشنام گفتن می ماند- «پارس هایی که نمی گیرند».

نمای اقتصادی زیر نشان دهنده ی طرف ها کلیدی بازرگانی روسیه در سال 2013 نشان دهنده این واقعیت است که ریسک جنگ به سود هیچ یک از طرف ها نیست.

نمای آماری زیر، نشاندهنده تجارت در سال 2013 از روسیه به بیرون و از بیرون به روسیه می باشد: کل این داد و ستد 844 و دو دهم میلیارد دلار در مجموع بوده است که بعد از چین، آلمان و هلند از دیگر سوی های این سوداگری بوده اند و همانگونه که از این نمایه پیداست، صادرات روسیه با رنگ صورتی، نفت و گاز و ذغال سنگ و از کانی های خام بوده و واردات با رنگ آبی کالاهای صنعتی، شیمیایی و مواد غذایی را شامل بوده است.

Russia's key trading partners



سفیر پوتین به پشتوانه چنین شرایطی است که با همان زبان دوگین رجز می خواند: «ما هم اکنون آن جاییم، هیچ کس نمی تواند ما را بیرون اندازد. (the status quo) ما می توانیم شرایط را تغییر دهیم».^(xxi)

با این همه، پوپتن در خطر است. نارضایتی و خطر خیزش بیکاران، و لایه های اجتماعی سرکوب شده، و به تحقیر و خواری نشانیده شده، و شورش علیه الیگارش ها در روسیه و حکومت آنها، در راه است.

ادامه دارد...

عباس منصوران

9 مارس 2014 - 18 اسفند 1392

ⁱ مجله جوان میزگرد با 3 کارشناس برجسته روس؛ 16 اردیبهشت 1391
<http://javanonline.ir/fa/news/>

ⁱⁱ آیت الله سید مصطفی محقق داماد و حلقه اش، عنصر معنوی اوراسیا و ایدئولوگ و اتاق فکر سید علی خامنه ای و حکومت سرمایه در ایران می باشند. محقق داماد، از جمله عضویت در شورای عالی قضایی، و ریاست سازمان بازرسی کل کشور به ظاهر در حالیکه اکنون، در هیچ یک از ارگانهای حکومتی، مسئولیت آشکاری ندارد، اما از جمله چند عنصرکلیدی حاکمیت به شمار می رود. محقق داماد با همدستی غلامرضا اعوانی، غلامحسین ابراهیمی دینانی، و خانم دکتر شهین اعوانی، رضا داوری اردکانی، کریم مجتهدی و...، در سیاست گذاری ها، تربیت کادرهای سیاسی، ایدئولوژیست، و اینتلجنسیای حکومتی، هماهنگی با دوگین و کرملین، نقش اساسی در تداوم حاکمیت اسلامی سرمایه و سیه روزی جامعه دارند. او مکمل مصباح یزدی و با ماسک روحانی نظام است. روحی که در روح الله دمیده شده بود و در روحانی هویدا شد، بدون صورتک در آیت الله حجتی و احمد خاتمی پشت تربیونهای نماز جامعه تعزیه می گرداند، در محقق داماد، کفن سهروردی را از گور تاریخ به سر می کشد. او در سهروردی، برای دوگین علوفه می جوید.

ⁱⁱⁱ این گلایه شامل همه سایت ها از جمله سایت پیام سایت خبری حزب کمونیست ایران، نمی شود. از دست اندرکاران سایت ها و دوستانی که در بازتاب این نوشتارها همراهی داشته اند، سپاسگزارم.

^{iv} The Forth Political Theory

^v انسان شناسی [به بیان دوکین بر پایه دین] Antropology

^{vi} Axion ذره فرضی ابتدایی

^{vii} Dugin, The Forth Political Theory. P40, english.

^{viii} IBID p.55 ,60.

^{ix} IBID p66

^x <http://www.4pt.su/fa/content>

^{xi} موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس) در گفتگو با دوکین سال 91

^{xii})cordon sanitaire”(

^{xiii})Eurasian Youth Union(

^{xiv} مجله جوان میزگرد با 3 کارشناس برجسته روس؛ 16 اردیبهشت 1391

<http://javanonline.ir/fa/news/>

^{xv} مجله جوان میزگرد با 3 کارشناس برجسته روس؛ 16 اردیبهشت 1391

<http://javanonline.ir/fa/news/>

^{xvi} **Carl Schmitt** (11 July 1888 – 7 April 1985) مذهبی کارل / اشمیت تئورسین سیاسی- مذهب
آلمانی که به فاشیست ها پیوست

^{xvii} http://en.wikipedia.org/wiki/Aleksandr_Dugin

^{xviii} <http://www.ias.ac.ir/index.php>

^{xix} <http://www.4pt.su/fa>

^{xxxx} Philipp Missfelder در گفتگو با وال استریت ژورنال

^{xxi} **بحران اکرین**، روزنامه گاردین 5 مارس 2014 www.theguardian.com/.../ukraine-crimea-crisis-eu-sanctions-impressions-putin